

# قوهی قضائیه در سال ۸۴

دکتر نعمت احمدی

دارد در کانون خبر باشد و حتا کم‌تر چهره‌ی وی وارد مطبوعات یا تلویزیون شده است. به گفته‌ی احد از وکلای آقای عبدالفتاح سلطانی - وکیل زندانی که تازه آزاد شده - کوشش فراوانی در آزادی آقای سلطانی داشت. در کنار این دگرگونی از رفتن آقای دکتر روحانی و جایگزینی آقای لاریجانی هم باید یاد کرد.

## ۲- وضع قوانین

برابر اصل ۱۵۸ قانون اساسی از سه وظیفه‌ی رییس قوهی قضائیه که ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری و استخدام قضات عادل و شایسته می‌باشد، سومین وظیفه، حسب بند ۲ اصل ۱۵۸ قانون اساسی تهیه‌ی لوایح قضائیه متناسب با جمهوری اسلامی می‌باشد. سال ۸۴ از این بابت با توفیق که صاحب این قلم در روزنامه‌ی رسمی داشتیم، سال کم‌کاری برای قوهی قضائیه بود. مجموعاً ۲۵ بخش‌نامه، دستورالعمل، آیین‌نامه، رای وحدت رویه و قانون در حوزه‌ی قضائیه در سال ۸۴ به استناد روزنامه‌ی رسمی تهیه و تصویب و ابلاغ شده است، از این ۲۴ موضوع تنها ۴ قانون داریم:

۱- یکی قانون سقط درمانی مصوب ۸۴/۴/۸ که با جمع‌بودن شرایط خاص و احراز این شرایط توسط پزشک متخصص با تایید پزشکی قانونی اجازه‌ی سقط‌درمانی داده شد. این قانون، بخش اخیر ماده‌ی ۶۲۳ قانون مجازات اسلامی که اگر سقط جنین حتا برای حفظ جان مادر باشد، باید دیه کامل پرداخت شود را تخصیص داد.

۲- دومین قانون که در واقع مهم نیز می‌باشد، قانون اصلاح آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۸۴/۸/۹ می‌باشد، قانونی که می‌طلبد مقاله‌یی را به آن اختصاص داد که در صدد تهیه این نوشتار می‌باشم.

۳- قانون رسیدگی به تخلفات و جرایم در آزمون‌های سراسری مصوب ۸۴/۸/۲۱ در پاسخ بخش سازمان یافته‌ی تخلف و تقلب در کنکور و در زکرتن کلید سوالات کنکور از تصویب گذشت.

۴- آخرین قانون، مربوط به الحاق یک تبصره به قانون مجازات اخلال‌گران نظام اقتصادی کشور می‌باشد که در مورد شرکت‌های هرمی از نوع گلدکوئیست به تصویب رسیده است، موضوعی که در جامعه‌ی جوان ایرانی بلندپروازی یک شبه پول‌دار شدن را ترویج داده بود.

بقیه‌ی موارد یا بخش‌نامه یا دستورالعمل یا آیین‌نامه است که مهم‌ترین آن را باید - آیین‌نامه برنامه‌ی دوم توسعه‌ی قضائیه و برنامه‌ی اجرایی آن از ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷ دانست. برنامه‌ی مفصلی که ۱۲ صفحه‌ی روزنامه‌ی رسمی را به خود اختصاص داد (روزنامه‌ی مورخ ۸۴/۱/۲۱) هرچند مباحثی کلی در این برنامه می‌باشد که امید به آینده باید داشت، علاوه بر این آیین‌نامه، باید از آیین‌نامه الزامی شدن وکیل در دعاوی حقوقی نیز یاد کرد. البته در این آیین‌نامه خواهان دعوی باید

□ سال ۸۴ با همه‌ی نیک و بد خود پایان یافت. هر مجموعه از خانواده‌ی حکومت‌گر ایران لابد باید نیم‌نگاهی به کارنامه‌ی گذشته‌ی خود داشته باشد تا با آگاهی از ضعف‌ها و قوت‌ها به آینده نگاه کند. یاد نصیحتی از مرحوم پدرم می‌افتم که می‌گفت: «کاری کن که به گذشته‌ات افتخار کنی، تلاش را در زمان حال فراموش نکن تا به آینده‌ات امیدوار باشی»، حال باید دید قوهی قضائیه در سال گذشته چه عملکردی داشته است.

## ۱- تغییرات در مدیریت کلان قوهی قضائیه

سال ۸۴ از نظر تغییرات مدیریتی سال بحث‌برانگیز است. در این سال ریاست حوزه حفاظت و اطلاعات قوهی قضائیه آقای الیاس محمودی به سرپرستی مجتمع ویژه‌ی امور اقتصادی رفت. اشراف رییس حوزه‌ی حفاظت و اطلاعات در پرونده‌های اقتصادی و مجادله‌یی که در ذکر اسامی صاحبان پرونده‌های اقتصادی در گرفته بود و با این تغییر شاید رویکردی تازه شروع شده باشد تا اسامی حداقل محکومین اعلام شود.

با تغییر دولت، دادستان انتظامی قضات آقای کریمی‌راد به قوهی مجریه پیوست، ولی کماکان سخن‌گویی قوهی قضائیه را حفظ کرد. تجمیع این دو پست آن هم وابسته به دو قوهی مجریه و قضائیه، محل مناقشه است و بسیاری آن را مغایر اصل ۱۴۱ قانون اساسی می‌دانند، کمااین‌که آقای غلام‌حسین الهام نیز علاوه بر عضویت در شورای نگهبان به عنوان حقوقدان در واقع عضو قوهی مقننه می‌باشد، به سخن‌گویی هیات دولت یعنی عضویت در قوهی مجریه پیوست که علاوه بر ایراد اصل ۱۴۱ قانون اساسی به‌نظر جامعه‌ی حقوقی از باب تایید یا عدم تایید لوایح دولت در شورای نگهبان اصل بی‌طرفی عضویت هیات دولت در شورای نگهبان محل مناقشه می‌باشد.

با جابه‌جایی آقای کریمی‌راد از دادستانی دادرسی انتظامی قضات آقای خلفی جانشین ایشان شد. مردی که در دوره‌ی سرپرستی مجتمع کارکنان دولت، کارنامه‌ی قبولی از خود باقی گذاشت. جای خالی آقای خلفی را که مدتی آقای جهانگیر متصدی شده بود با رفتن آقای جهانگیر به سرپرستی حوزه‌ی حفاظت و اطلاعات قوهی قضائیه آقای علی‌رضا مژده‌ی پور، مسوول حفاظت و اطلاعات دادگستری استان تهران پُر کرد. هم آقای مژده‌ی پور و هم آقای جهانگیر در مدت فعالیت خود جدای از سمت و سوی جناحی کارنامه‌ی قابل قبولی از خود باقی گذاشتند و بالتبع باید دید در پست جدید منشاء چه اثری خواهد بود.

آقای عباس‌علی علیزاده، رییس پُرنفوذ دادگستری استان تهران به آرامی وارده حوزه‌ی قوهی قضائیه شد و به جمع معاونین این قوه پیوست. هرچند ایشان آرزوی خدمت در استان خراسان مسقط‌الرأس خود را به معاونت قوهی قضائیه در مصاحبه‌های خود ترجیح داده بود. آقای علی‌رضا آوایی، رییس کل دادگستری استان اصفهان به‌جای آقای علیزاده، رییس کل دادگستری استان تهران شد. مردی که کم‌تر دوست



وکیل داشته باشد و صحبتی از دعوی کیفری و خوانده‌ی دعوی حقوقی نیست.

شاید بتوان در کنار این دو آیین‌نامه‌ی بحث‌انگیز، آیین‌نامه‌ی اجرایی ماده ۱۸۹، قانون برنامه سوم توسعه در مورد شوراهای حل اختلاف را مهم‌ترین تصمیم قوه‌ی قضاییه دانست. آیین‌نامه‌ی که مغایرت‌های فراوانی با قانون اساسی و قوانین عادی دارد و آیا امکان ابطال بخش‌هایی از آن از دیوان عدالت اداری میسر است و شاید در نوشتاری دیگر یا درخواستی از هیات عمومی دیوان عدالت اداری ابطال بخش‌های این آیین‌نامه را خواستار شوم.

در سال ۸۴ چندین رویه‌ی قضایی هم صادر شد که مهم‌ترین آن مربوط به تعیین صلاحیت مرجع رسیدگی به اتهام رباخواری است، هرچند با تصویب ماده‌ی ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی به جرائم رباخواری در دادسرا باید رسیدگی شود. اما بعضی از شعب اصل ۴۹ که صلاحیت تعیین تکلیف ثروت‌های ناشی از ربا را دارند، از بدو تشکیل پرونده‌ی خود را صالح به رسیدگی می‌دانستند که رأی وحدت رویه شماره‌ی ۶۸۲ مورخ ۸۴/۱۰/۶ به این مناقشه پایان داد و دادسرا را صالح به رسیدگی دانست.

### ۳- پرونده‌های مهم

سال ۸۴ در نحوه‌ی برخورد با زندانیان و فعالین سیاسی قابل تامل است، ناصر زرافشان، اکبر گنجی، منوچهر محمدی، حشمت‌الله طبرزدی و گروهی دیگر کماکان در زندان به سر می‌برند، اکبر گنجی که با اعتصاب غذای خود در میانه‌ی سال به خبر مهم قضایی سال تبدیل شده بود، کماکان در زندان است و آقای زرافشان ترجیح داده است در سکوت، روزشمار پایان دوره‌ی محکومیت خود باشد.

ماه‌های پایانی سال حکم محکومیت سه زندانی ملی - مذهبی، نقی رحمانی، هدی صابر و رضا علیچانی و پنج دانشجوی تحکیم وحدتی صادر شد. هرچند در طول سال حکم‌های دیگری هم راجع به فعالین سیاسی صادر شد، اما دادگستری رغبتی به اجرای این احکام از خود نشان نمی‌دهد.

علاوه بر پرونده‌های مربوط به فعالین سیاسی با تصویب قانون فعال نمودن هیأت منصفه‌ی مطبوعات برای جلوگیری از تعطیلی اصل ۱۶۸ قانون اساسی [ظاهراً فقط در بخش مطبوعات؟!] مصوب ۸۴/۶/۱۵ هیأت منصفه‌ی جدید تشکیل و دو شعبه‌ی دادگاه مطبوعات یکی شعبه‌ی ۱۰۸۳ مربوط به پرونده‌های قبل از تشکیل دادسرا با یک قاضی و دیگری شعبه‌ی ۷۶ با حضور سه قاضی و مربوط به پرونده‌های بعد از تشکیل دادسرا فعال شدند و به پرونده‌های زیادی رسیدگی شد و پرونده‌هایی هم مختومه شدند. اما در بخش رفع توقیف علی‌رغم صراحت ماده‌ی ۱۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری در مورد مرور زمان روزنامه‌ی اجازه‌ی انتشار مجدد نیافت. در مورد روزنامه‌های در حال انتشار چند مجازات حبس در نظر گرفته شد. مثلاً آقای صالح‌آبادی، مدیر مسوول روزنامه‌ی همبستگی، به یک سال زندان، قلی شیخی، مدیر مسوول روزنامه‌ی توسعه، به دو سال زندان و الیاس حضرتی، مدیر مسوول روزنامه‌ی اعتماد به ۱۸ ماه حبس محکوم شدند. اما این حبس‌ها تعلیقی بودند و کسی روانه‌ی زندان نشد.

عبدالفتاح سلطانی، وکیل دادگستری و عضو هیأت مدیره کانون وکلا که در مرداد ماه سال ۸۴ بازداشت شده بود در اسفندماه و چند روز

قبل از انتخابات هیأت مدیره‌ی کانون آزاد شد و در انتخابات شرکت کرد و با رای بالا به عضویت هیأت مدیره کانون درآمد، اما رد صلاحیت شد. پرونده‌های عادی مهمی در سال ۸۴ مختومه یا رسیدگی شد؛ پرونده‌ی قتل‌های محفلی کرمان که ۶ نفر جوان، ۵ شهروند کرمانی را کشته بودند، دو نوبت در کرمان هر ۵ قاتل به قصاص محکوم شدند، اما شعبه‌ی ۳۱ دیوان عالی کشور احکام را نقض کرد و جوابیه‌ی مستشار محترم شعبه‌ی ۳۱ دیوان عالی کشور، آقای رضا فرج‌اللهی در **ماهنامه‌ی حافظ** در پاسخ به مقاله‌ی این‌جانب و آقای غلام‌علی ریاحی چاپ شد و این اهمیت نوشته‌های حقوقی مندرج در **ماهنامه‌ی حافظ** را می‌رساند. هرچند شعبه‌ی ۱۰۳ کرمان که رسیدگی مجدد را برعهده داشت، مجدداً حکم قصاص دو نفر را برخلاف شعبه‌ی قبلی کرمان و با عدول از نظر شعبه‌ی ۳۱ دیوان عالی کشور صادر کرد.

پلیس تهران در ماه‌های پایانی سال به یکی از موفقیت‌های قابل بحث خود یعنی دستگیری قاتلین سریالی زنان خانه‌دار دست یافت، اما جالب است تاکنون پلیس از این رمز و راز موفقیت‌آمیز صحبتی به میان نیاورده و علت آن را آگاهی افراد از این موفقیت پلیس می‌دانند.

پرونده‌ی بیجه، قاتلی که با سنگدلی چندین پسر بچه‌ی مظلوم را کشته بود، از پرونده‌های جنجالی سال ۸۴ بود و سرانجام، این که پرونده‌ی لیلا فتیحی، دختر ۱۱ ساله‌ی بی که در سال ۷۴ در یکی از دهات کرمانشاه به طرز فجیعی مورد تجاوز و سپس از کوه پرت شده بود، در روزهای پایانی سال مورد رسیدگی قرار گرفت.

متهم ردیف اول در زندان خودکشی کرد، یکی از متهمین از زندان فرار کرد و متهم سوم با قسامه چشم‌انتظار حکم است. پرونده‌ی که ۱۰ سال تمام طول کشید و خانواده‌ی این دختر مظلوم برای پرداخت تفاضل دیه، همه‌ی هستی خود را فروختند و زمانی که پدر لیلا به پزشکی قانونی مراجعه کرد تا برای تهیه‌ی باقیمانده‌ی تفاضل دیه، کلیه‌ی خود را بفروشد با نامه‌ی رییس پزشکی قانونی به ریاست وقت قوه‌ی قضاییه آیت‌الله یزدی تفاضل دیه پرداخت شد، اما پرونده کماکان در رفت و آمد بین دادگاه و دیوان عالی کشور طی طریق می‌کرد.

### ۴- نتیجه

به هر صورت، سال ۸۴ برای قوه‌ی قضاییه سالی پُر افت و خیز بود. سالی که موعد قانون آیین دادرسی کیفری پایان یافت و برای چندمین بار دوره‌ی آزمایشی آن تکرار شد. سالی که دادسرا در همه‌ی کشور احیاء شد. سالی که شوراهای حل اختلاف به صورت مجموعه‌ی موازی دادگستری رو به گسترش می‌باشند، سالی که سومین سال از دومین دوره‌ی ریاست آیت‌الله شاهرودی را به خود اختصاص داد و سالی که دومین برنامه‌ی توسعه‌ی قضایی تصویب شد. سالی که فقط دو سال تا پایان ریاست فعلی قوه‌ی قضاییه باقی مانده است.

آیا سنت ریاست دو دوره‌ی روسای قوه‌ی قضاییه با حضور سه باره‌ی آیت‌الله شاهرودی به هم می‌ریزد یا باید دو سال دیگر چشم‌انتظار ریسی دیگر و برنامه‌ی دیگر بود. در عرصه‌ی بین‌المللی اما حضور ایران به شدت کم‌رنگ بود نه در دادگاه صدام، نه در دفاع از معاهده‌ی انرژی هسته‌ی حضور داشتیم.

دعای آغاز سال را که یا محول الحول و الاحوال است برای این سال و همه‌ی سال‌های بعد تکرار می‌کنم تا مقلب القلوب و الابصار حافظ این مرز و بوم باشد. ■